تحلیل

رگبار حملات بر سر دلار

خشایار امینی: روزهای پنجشنبه و جمعه دو روز تلخ برای دلار و روزهای شیرینی برای پوند، یورو و ین بود. از اوایل سال ۲۰۰۶ تاکنون ترجیح بند همیشگی تحلیل گران بازار واگرایی (Divergence) به وجود آمده میان بانک مرکزی آمریکا و دیگر بانک‌های مرکزی جهان بوده است. به طوری که فدرال رزرو خسته از افزایش های تند و تیز سال ۲۰۰۵ در اندیشه ثابت نگاه داشتن نرخ بهره است ولی دیگر بانک‌ها از جمله بانک مرکزی اروپا، انگلیس و ژاپن در اندیشه افزایش این عدد هستند. این مسئله کلید اصلی درک رفتار بازار در نیم سال گذشته بوده و قطعاً در نیم سال دوم ۲۰۰۶ نیز که اکنون در ماه دوم آن قرار داریم این مسئله کماکان محور توجهات بازیگران بازار خواهد بود. در طول نیم سال گذشته روند اصلی حرکت بازار در جهت تضعیف دلار بوده و اگرچه در مقاطعی کوتاه گاه به دلایل سیاسی مانند جنگ لبنان و گاه به علت ملاحظات تکنیکی بازار دلار اندک استراحتی می کرد اما مجدداً زیر رگبار حملات قرار می گرفت. پنجشنبه گذشته دو اتفاق مهم موجب به وجود آمدن امواجی سهمناک در بازار شدند. جلسات بانک‌های مرکزی اروپا و انگلیس برگزار شد و هر دو نهاد تصمیم به افزایش نرخ بهره گرفتند. این اقدام از طرف بانک مرکزی اروپا مورد انتظار معامله گران بود و در نرخ ها لحاظ شده بود اما افزایش نرخ بهره انگلیس از ۵/۴ به ۷۵/۴ را کمتر کسی پیش بینی می کرد و این مسئله موجب شگفتی بازیگران بازار شد که صعود ناگهانی پوند را به همراه داشت. پس از مرگ دیوید والتون تنها عضو MPC (نهاد تصمیم گیرنده در رابطه با نرخ بهره انگلیس) که اعتقاد به افزایش نرخ بهره داشت عموم معامله گران اینگونه می اندیشیدند که مقامات بانک مرکزی انگلیس حداقل تا حدود دو ماه دیگر که اعضای جدید جای خالی دو صندلی خالی موجود در این نهاد را پر کنند صبر خواهند کرد اما اینگونه نشد و پنجشنبه در حالی که هیچ کس انتظار چنین اتفاقی را نداشت نرخ بهره افزایش یافت. جدای از تاثیر افزایش ناگهانی نرخ بهره بر ارزش پوند بیانیه‌ای که از طرف بانک مرکزی انگلیس صادر شد حکایت از آن داشت که احتمال افزایش این عدد در آینده نزدیک وجود دارد. این مسئله نیز کمک مضاعف به افزایش ارزش پوند کرد. بعد

نوع ارز	نرخ به تومان	نوسان
یک یورو	۱۱۸۸	۴
یک دلار آمریکا	۹۲۰	۰
یک پوند انگلیس	۱۷۵۰	۱۵
یک دلار کانادا	۸۱۹	۴
یکصد ین ژاپن	۸۰۶	۲-
درهم امارات	۲۵۰	۰
ریال عربستان	۲۴۱	۰
کرون دانمارک	۱۶۰	۴

از جلسه بانک مرکزی انگلیس مقامات اقتصادی اروپا نیز گرد هم آمدند تا در رابطه با نرخ بهره قاره سبز تصمیم گیری کنند. این نهاد نیز به رهبری تریشه حکم به افزایش نرخ بهره داد اما این مسئله تاثیری بر بازار نداشت چون عموم بازیگران انتظار این داستان را داشتند. افزایش این عدد فی نفسه اتفاق جدیدی نبود. اما مسئله‌ای که زیر ذره‌بین معامله گران بود کنفرانس مطبوعاتی تریشه بعد از قرائت بیانیه رسمی بود. اهمیت این کنفرانس بیشتر در آن است که معامله گران با تجزیه و تحلیل کلمات، عبارات و لحن تریشه قصد دارند به این سئوال پاسخ دهند که رئیس تا چه حد مایل به ادامه این روند است. از آنجایی که عموم بازارهای مالی از جمله بازار ارز را انتظارات هدایت می کند نه الزاماً خود وقایع بنابراین سخنان تریشه بسته به اینکه به کدام سمت متمایل باشد جهت بازار را مشخص می کند. مشهور است که روسای بانک‌های مرکزی از این ابزار برای هدایت بازار استفاده می کنند. به هر حال تریشه نیز در روز پنجشنبه اگرچه به طور کلی متمایل به افزایش نرخ بهره بود اما دو مسئله باعث شد تا یورو پس از قدرت گرفتن در برابر دلار مقداری از مسیر را بازگردد و اگرچه روز پنجشنبه را با پیروزی به پایان برد اما جزء روزهای به‌یادماندنی محسوب نشد. اولین دلیل آنکه تریشه در سخنان خود از عبارت: «ما باید در برابر تورم هشیار (Vigilance) باشیم را به کار نبرد.» این عبارت به عنوان یک نکته کلیدی به معنای افزایش نرخ بهره محسوب می شود و از آنجا که تریشه قطعاً می داند که بازار به این کلمه او حساس است مسلماً به‌کار نبردن این لغت عمدی بوده است. در کنفرانس های قبلی هرگاه که لازم بوده این عبارت به‌کار برده می شده تا جایی که در جلسه پیش لغت مراقبت شدید (Strong vigilance) به‌کار برده شد. این مسئله موجب شد تا افزایش یورو حالت ملایم‌تری به خود بگیرد و برخلاف پوند که بی‌رحمانه دلار را شکست داد حالت ملایم‌تری به خود بگیرد. مسئله دیگر انتظار بازار برای اعلام شاخص NFP در روز جمعه بود. این شاخص مشخص کننده تغییر در تعداد حقوق‌بگیران غیرکشاورزی در ایالات متحده است و بی هیچ تردیدی مهمترین شاخص اقتصاد آمریکا محسوب می شود. معمولاً قبل از اعلام این عدد بازار در نوعی حالت سکوت و انتظار فرو می رود و چندان مواج نیست اما بلافاصله پس از اعلام این شاخص ظرف تنها چند دقیقه موجی به بزرگی صدپیپ شاید هم بیشتر در بازار به راه می افتد. با توجه به اینکه در روز هشتم آگوست جلسه فدرال رزرو برای تصمیم در رابطه با نرخ بهره تشکیل می شود اهمیت NFP شاید از ماه‌های پیش به مراتب بیشتر بود. بسیاری اعتقاد داشتند این عدد آخرین قطعه پازل افزایش نرخ بهره است و تکلیف جلسه هشتم آگوست را مشخص می کند. معامله گران انتظار ۱۴۲ هزار را داشتند اما عدد نهایی ۱۱۳ هزار اعلام شد و موج بزرگ دیگری را علیه دلار به‌راه انداخت.

گفت‌وگو با رئیس مرکز تحقیقات زمین و مسکن

بحران در یک قدمی صنعت ساختمان

مسکن

بخش اول

بهراد مهرجو: بسیاری از فعالان صنعت ساختمان از وضعیت کیفیت مصالح ساختمانی گلایه دارند. آنان اعتقاد دارند که اگر مصالح مرغوب در بازار موجود باشد، ساختمان‌سازان نیز کیفیت ساخت‌وسازهای خود را ارتقا می دهند. این در حالی است که موسسه استاندارد ادعا دارد که مصالح استاندارد در بازار وجود دارد اما این ساختمان‌سازان هستند که به سمت استفاده از این مصالح نمی روند. اما این تنها مشکل ساخت‌وسازهای کشور نیست، فقدان کارگران ماهر و عدم نظارت دقیق مهندسان بر چگونگی پیشبرد ساختمان‌سازی از دیگر معضلات صنعت ساختمان کشور به حساب می آید. در گفت‌وگو با رئیس مرکز تحقیقات زمین و مسکن بخشی از بحران‌های دست و پاگیر، صنعت ساختمان عنوان شد. قاسم حیدری‌نژاد در میان صحبت‌های خود به برخی بحران‌های این صنعت اشاره می کند.

■ وضعیت ساختمان‌سازی در کشور از نظر کیفیت در چه حدی قرار دارد؟

سه عامل در ساخت‌وسازها اثرگذار است که اگر هر کدام از آنها دچار مشکل و ضعف باشد، کیفیت ساخت‌وسازها تنزل می یابد. در مرحله اول ساختمان باید از نظر طراحی در سطح قابل قبولی باشد پس از آن در مرحله اجرا نیز باید نظارت خوبی صورت گیرد. البته جوانب دیگری نیز وجود دارد که باید به آنها توجه ویژه‌ای شود به طور مثال در مورد صرفه‌جویی در انرژی باید فکرهای جدیدی بشود. در حال حاضر مشکلاتی در مورد بنزین پیش آمده که شاید تا چند سال دیگر در مورد سوخت‌های مورد مصرف در ساختمان هم دردسرهایی ایجاد شود.

■ از نظر دانش فنی دچار مشکل هستیم یا در اجرا؟

دانش فنی به حد کافی وجود دارد ولی در اجرا مشکل وجود دارد. در مورد دانش فنی در حد نیاز خوب هستیم. در واقع بر روی کاغذ طرح خوبی پیاده می شود ولی برای اجرای آن مشکلات بسیاری وجود دارد. طرح خوب برای اجرا شدن به مصالح و مجری خوب نیاز دارد.

■ در مورد مهندسان با مشکل قانونی روبه‌رو هستیم یا بی‌توجه‌ای مهندسان مشکل اصلی است؟

قانون وجود دارد ولی در مرحله اجرا به بن بست برمی خوریم. اما در مورد کاردان‌ها قدری بی‌توجه هستیم. در حال حاضر کاردان به تعداد کافی در کشور وجود ندارد. در دنیا به ازای هر یک مهندس حداقل باید ۱۰ کاردان فعال باشد ولی در ایران با استانداردهای بین‌المللی در این مورد مشکل داریم. از سوی دیگر در مورد کارگر نیز به‌شدت ضعف وجود دارد. در ساختمان‌های شخصی‌ساز هیچ کس به این نکته توجه ندارد که آیا کارگری که در ساختمان کار می کند، مجوز فعالیت دارد یا نه.

■ در مورد مصالح ساختمانی نیز با بحران روبه‌رو هستیم؟

براساس قانون، مصالح ساختمانی باید استاندارد شوند، کلیه مصالح ساختمانی که در استحکام و بقای ساختمان نقش دارند باید استاندارد اجباری داشته باشند. در غیر این صورت با تولیدکنندگان برخورد قانونی صورت می گیرد. تمرکز کشور در حال حاضر به سمت استانداردسازی مصالح ساختمانی سوق پیدا کرده است. اگر مشکل مصالح ساختمانی حل شود، پس از آن می توان به سمت سامان‌دهی کارگران حرکت کرد و حداقل‌های عوامل موثر در کیفیت ساخت‌وساز را تامین کنیم.

■ مشکل مصالح ساختمانی تنها به تولید ارتباط ندارد و هنگام استفاده و حمل ونقل نیز اتفاقاتی رخ می دهد که منجر به نزول کیفیت ساخت‌وسازها می شود.

موسسه استاندارد در هنگام تولید، نظارت کافی بر فرآیند کار دارد ولی در هنگام حمل ونقل و مصرف خلاءهایی وجود دارد که در کیفیت مصالح ساختمانی اثر می گذارد.

■ در مورد مصالح ساختمانی قانون می گوید که استانداردها باید به طور کامل رعایت شود.

بله، قانون وجود دارد ولی باید شرایط برای اجرای آن ایجاد شود. برنامه‌ریزی‌های درستی نیز انجام شده که تا پایان برنامه چهارم توسعه بحث استاندارد مصالح ساختمانی به طور کامل حل می شود.

■ برخلاف مصالح ساختمانی در بحث کارگران ماهر اقدام مناسبی صورت نگرفته است.

در این مورد متاسفانه هر چند که اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد ولی هنوز شرایط خوبی ایجاد نشده است.

■ به اعتقاد شما مهندسان ساختمانی در مورد اجرای پروژه‌ها مهارت کافی را دارند به بیان دیگر آیا زمان کافی و لازم از سوی آنان برای اجرای عملیات ساختمانی صرف می شود؟

ساختمان کالایی تولیدی به حساب می آید که برخلاف خیلی کالاهای دیگر خط تولید مشخصی ندارد. این مشکل اساسی به حساب می آید، هر کس در قطعه زمینی برای خود ساختمان می سازد. به همین دلیل نظارت خوبی بر روی آن صورت نمی گیرد. ناظران در هفته تنها وقت خود را برای نظارت ساخت یک ساختمان صرف می کنند. همین موضوع موجب می شود تا نظارت خوبی صورت نگیرد. باید سیاست ها را تغییر داد یعنی روشی پیش گرفت که به جای ساخت واحدهای مستقل از هم سری‌سازی پیش گرفته شود. یعنی باید انبوه‌سازی در دستور کار قرار گیرد. بنابراین نمی توان ادعا کرد که در شرایط کنونی نظارت بر ساخت‌وسازها وجود دارد. در واقع تا زمانی که مهندسین در محل ساخت‌وساز مقیم نشوند نمی توان ادعا کرد که ساخت‌وسازها به شکل صحیحی انجام می شود.

■ ولی انبوه‌سازی به معنای افزایش کیفیت نیست.

کیفیت باید با تولید صنعتی بهبود پیدا کند. تا زمانی که مصالح و کارگر همین باشد، کیفیت انبوه‌سازی ارتقا نمی یابد. به هر حال ضعف در نظارت وجود دارد چرا که ناظر مقیم وجود ندارد. تمام مهندسانی که از سازمان نظام مهندسی پروانه گرفته‌اند از نظر فنی در سطح قابل قبولی قرار دارند.

■ با توجه به شرایط کنونی که کیفیت ساختمان‌ها در ابهام قرار دارد، پیش کشیدن بحث بیمه ساختمان از سوی مسئولین صحیح به نظر می رسد؟

بیمه‌گذار کالایی که از کیفیت آن اطلاعی ندارد را بیمه نمی کند. به طور مثال در مورد اتومبیل اگر بیمه‌گذار بداند که فلان اتومبیل نقصی فنی دارد هیچ‌گاه آن را زیر پوشش بیمه قرار نمی دهد. برای ساختمان هم در شرایط کنونی امکان تعیین کیفیت وجود ندارد. باید در طول ساخت‌وساز نظارت‌های کافی صورت گیرد و تمام مراحل ساخت بنا برای بیمه‌گذار تشریح شود. به طور مثال باید مشخص شود که جوشکار ساختمان پروانه مهارت دارد و مجاز است در این ساختمان کار کند. یا در مورد مصالح قید شود که مصالح استاندارد هستند. وقتی تمام این عوامل در کنار هم قرار گیرند، بیمه‌گذار می تواند با استناد به این موارد ساختمان را تحت پوشش بیمه قرار دهد. بنابراین اگر کیفیت تمام اجزا مشخص شود می توان ادعا کرد که اجرای بیمه ساختمان عملی است.

■ بیمه شدن ساختمان‌ها موجب می شود کیفیت تا حدود زیادی افزایش یابد.

بله، در این صورت طراح و ناظر در قبال بیمه‌گذار مسئولیت پیدا می کنند و دقت بیشتری در فعالیت‌های خود به کار می بندند.

■ چقدر مکانیسم‌های لازم برای رسیدن به این جایگاه وجود دارد؟

از برنامه‌ها عقب هستیم. قانون نظام مهندسی در سال ۷۴ به تصویب رسید. در این قانون ۱۰ سال زمان در نظر گرفته شده بود تا کارگران ماهر تربیت شوند. متاسفانه در این زمینه پیشرفت بسیار کمی صورت گرفته است. حدود یک میلیون کارگر در کشور فعالیت دارند که خیلی از آنها توان این را ندارند که سه ماه هزینه آموزش را بپردازند در این موارد باید دولت هزینه کند. حداقل باید کارگرانی که نقش مهمی در پروژه ساختمانی دارند مورد آموزش دقیق قرار گیرند. به این ترتیب شاید تا پایان برنامه چهارم به نتایج لازم برسیم. در مورد مصالح نیز شرایط به همین گونه است.

■ در مورد طراحی مشکلی وجود ندارد؟

خوشبختانه در این مورد مشکلی نیست تنها باید اخلاق مهندسی بیشتر در میان مهندسان گسترش یابد و ابزارهای نظارتی نیز عملکرد خود را تقویت کنند. به طور مثال سازمان نظام مهندسی تاکنون چند بار یک مهندس را بابت کوتاهی در وظیفه خود جریمه کرده است؟ در صورتی که مهندسان ببینند از سوی نهادی خاص بر فعالیت‌های آنان نظارت می شود با دقت بیشتری کار می کنند. به این ترتیب شاید هزینه‌های اضافی حذف شود. به طور مثال در مورد مقاوم‌سازی هزینه‌هایی وجود دارد که اگر در هنگام ساخت خرج می شد دیگر نیازی به مقاوم‌سازی نبود. اگر این فعالیت‌ها صورت گیرد عمر ساختمان نیز افزایش پیدا می کند. در حال حاضر عمر ساختمان در کشور پایین است.

■ این موضوع آسیب‌های اقتصادی فراوانی دارد؟

بله، در کشورهای توسعه‌یافته عمر ساختمان‌های مقاوم بسیار بیشتر از ایران است. در کشور باید ساختمان را پس از ۴۰ سال خراب کرد. در حال حاضر در همین بافت‌های فرسوده به سادگی می توان تشخیص داد که ساختمان‌ها به کیفیت مطلوب نمی رسد اگر از ابتدای ساخت دقت لازم صورت می گرفت حالا دیگر نیازی به هزینه‌های اضافی نبود.

■ در این مورد مشکل فرهنگی نیز وجود دارد چرا که عده‌ای از مالکان ترجیح می دهند هزینه کمتری برای ساختمان صرف کنند و سود بیشتری به دست آورند.

بله، این مشکل وجود دارد. باید قانون به شکلی تعیین شود تا جلوی این گونه اقدامات گرفته شود. در یک دوره خاص طرحی وجود داشت که ارتباط کارفرما و مهندس قطع می شد درست مانند شیوه‌ای که در ساخت‌وسازهای بم اعمال می شود. این یک موضوع کاملاً بدیهی است. به هر حال کار فرهنگی زمان‌بر است ولی باید به مرور اعمال شود.

■ با توجه به شرایط کنونی بیمه کردن ساختمان‌ها نیز غیرممکن به نظر می رسد.

با حرف نمی توان گفت که ساختمان کیفیت دارد باید یکسری مستندات در طول ساخت‌وساز جمع‌آوری شود. ساخت‌وساز بسیار پیچیده است. البته هر فعالیت اجرایی باید از یک دوره زمانی خاصی استارت بخورد. این مورد هم هر چه زودتر به مرحله اجرا برسد، مفید خواهد بود. به طور حتم با گذشت زمان هماهنگی‌های لازم نیز بین ساخت‌وسازها به وجود می آید. البته تا زمانی که مصالح و ساخت‌وسازها مشکل دارد به میان کشیدن بحث بیمه چندان معقول نیست. وقتی بیمه انجام می شود یعنی تمام سیکل ساخت‌وساز به درستی انجام گرفته است ولی تا زمانی که این موارد ایراد دارد چگونه می توان ساختمان را بیمه کرد. اگر تمام اجزا و ابزار ساخت‌وساز مهیا شود دیگر هیچ مالکی نمی تواند ساخت‌وساز بد داشته باشد. شاید همین رفتار در کشورهایی مانند ژاپن صورت می گیرد. دولت ژاپن برای ساخت وسازها هزینه نمی کند و حتی اگر ساختمان در اکثر حوادثی مانند زلزله نیز تخریب شود باز هم بیمه و مالک مسئول هستند چرا که دولت تمام ابزار را به وجود آورده است و ساختمانی که تخریب می شود، تنها از سوءمدیریت رنج می برده است. ولی در ایران شرایط تا حدود زیادی متفاوت است. اینجا دولت وادار می شود پس از حوادثی مانند زلزله برای ساخت‌وساز وارد عمل شود چرا که می داند او نیز در خرابی‌ها مقصر بوده است.

گرانی سکه در آستانه روز پدر

شرق: روز گذشته گرانی مسکوکات همچنان در بازار پایدار باقی ماند و قیمت‌ها کماکان سیر صعودی را طی می کردند. به این ترتیب سکه طرح جدید و قدیم هر کدام یک هزار تومان و نیم و ربع بهار در حدود یک هزار و ۵۰۰ تومان گران شدند. فعالان بازار اعتقاد دارند با توجه به شرایط سیاسی کشور این روند همچنان حفظ می شود. از سوی دیگر با توجه به فرا رسیدن ایام خریدهای میانه هفته که به مناسبت روز پدر اوج می گیرد تحلیلگران بازار گمانه‌زنی می کنند که قیمت‌ها همچنان سیر صعودی خود را حفظ کنند و تا روز دوشنبه بهای سکه‌ها به اوج خود برسد. فروشندگان بازار بر این باورند که افزایش تنش‌ها در خاورمیانه بستری را به وجود آورده که بهای طلا در بورس‌های فلزات گرانبهای بین‌المللی سیر صعودی را طی کند و به دنبال آن بهای هر مثقال طلای ۱۷ و ۱۸ عیار رکوردهای گذشته خود را بشکنند. در حال حاضر بهای هر اونس طلا در بورس نیویورک و لندن به روند صعودی خود شدت بخشید و به اوج رسید.

طلا	قیمت (تومان)	نوسان
یک مثقال طلای ۱۸ عیار	۶۶۶۵۰	۳۰۰
یک مثقال طلای ۱۷ عیار	۶۲۶۵۰	۲۵۰
یک گرم طلای ۱۸ عیار	۱۴۴۶۰	۲۰۰
یک گرم طلای ۱۷ عیار	۱۳۶۰۰	۱۷۰
سکه بهار آزادی	۱۶۹۰۰۰	۱۰۰۰
سکه طرح جدید	۱۴۸۰۰۰	۰
نیم بهار آزادی	۷۴۵۰۰	۵۰۰
ربع بهار آزادی	۳۸۵۰۰	۱۵۰۰

صاحب‌نظران بازار بر این باورند که افزایش قیمت نفت موجب می شود که بهای طلا اجازه تخطی از قیمت‌های فعلی را پیدا نکند. در همین حال روز قبل هر مثقال طلای ۱۸ عیار در بازار داخلی با بهای ۶۶ هزار و ۶۵۰ تومان فروش می رفت که این قیمت در قیاس با آخرین معاملات هفته گذشته قدری رشد داشت. دیروز هر گرم طلای ۱۸ عیار هم به بهای ۱۴ هزار و ۴۶۰ تومان رضایت داد. روز گذشته سکه طرح جدید یک هزار تومان گران شد و به بهای ۱۴۷ هزار تومان رسید. طرح قدیم هم با همین میزان رشد به عدد ۱۶۹ هزار و ۵۰۰ تومان رضایت داد و نیم‌بهار هم به رقم ۷۴ هزار و ۵۰۰ تومان بسنده کرد. روز گذشته ربع بهار آزادی هم ۳۸ هزار و ۵۰۰ تومان فروش رفت.

طلا

برخورد سیاسی با سازمان صنفی

علی فریدونی: امروزه ثابت شده که یکی از مظاهر توسعه‌یافتگی کشورها وجود سازمان‌های غیردولتی (NGO's) در آنها است. تشکل‌هایی که مطالبات توده مردم در زمینه‌های مختلف را جمع‌بندی و به صورت بهداشتی (؟) در اختیار مسئولین این کشورها قرار داده و متقابلاً امکانات و مضایق دولت‌ها را به مردم منتقل می کنند. در کشور ما که خود را پرچمدار مردم‌سالاری دینی دانسته و مدعی کشوری توسعه‌یافته در منطقه می داند (برنامه چهارم توسعه و چشم‌انداز ۲۰ ساله) این مهم مورد اهتمام جدی مسئولین محترم نظام و مخصوصاً جناب آقای خاتمی و دولت محترم اصلاحات بوده است به طوری که گفته می شود بیشترین رشد کمی و کیفی نهادهای مدنی کشور در این دوران حاصل شده است. یکی از این نهادهای مدنی که در این دوران ایجاد، بسط و توسعه یافت، سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی بود. نظامی که مورد انتظار ده‌ها ساله کارشناسان و دانش‌آموختگان این بخش مهم اقتصادی کشور بوده است.

طی یک سال اخیر و متعاقب کمک‌های قابل توجه دولت محترم به هیات‌های مذهبی (که بدون تردید قدیمی‌ترین، بااصالت‌ترین و در عین حال مستقل‌ترین سازمان غیردولتی کشورمان هستند) و نیز اظهارنظرهای هشدارگونه و تحکم‌آمیز برخی مسئولین محترم دولتی در خصوص تشکل‌های غیردولتی امروزی (NGO's) این شائبه را در اذهان ایجاد کرده است که اولاً گویا سازمان‌های غیردولتی هم مشمول پدیده خودی و غیرخودی شده‌اند! ثانیاً دولت محترم مصمم به نظارت بیشتر و حتی مداخله در امور نهادهای مدنی است.

موضوع این مقاله بررسی مصداقی از شائبه اخیر است. مصداقی که در صورت مبدل شدن به قاعده (رویه) می تواند زحمات پیشینیان را (که به منظور دستیابی به توسعه متوازن و همه‌جانبه کشور این سازمان‌ها را ایجاد کرده و توسعه داده بودند) به هدر داده و حاصلی جز نقض غرض (غرضی که در ابتدای مقدمه بدان اشاره شده) را به دنبال نخواهد داشت.

یکم: اینجانب در مورخ ۱۳۸۴/۷/۳۰ مشمول مهرورزی واقع شده و سپس به محل کار سابقم (مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان) بازگشتم.

دوم: بعد از بی‌مهری‌های دولتیان محترم جدید عموماً و مسئولین محترم بخش کشاورزی خصوصاً نسبت به پیشینیان (که اتفاقاً خودشان نیز در عملکرد آنها سهیم بوده‌اند؟) اینجانب فرصت را غنیمت شمرده، علاوه بر انجام کارهای تحقیقاتی معوقه، مقالاتی را در دفاع از عملکرد مسئولین قبلی بخش کشاورزی و مخصوصاً جایگاه این بخش در اقتصاد کشور در نشریات عمومی منتشر کرده بودم.

سوم: در اواخر سال گذشته و با اصرار تعداد کثیری از مدیران و کارشناسان بخش کشاورزی (دولتی و مخصوصاً غیردولتی) و به این امید که بتوانم از تجربیات مدیریت حدود پنج ساله‌ام در بخش کشاورزی استان به نفع قسمت غیردولتی این بخش و به ویژه فارغ‌التحصیلان استفاده کنم، در دومین دوره انتخابات شورای نظام مهندسی استان شرکت کردم.

چهارم: به‌رغم اینکه اینجانب اعتقادی به مداخله دیدگاه‌های سیاسی افراد در حوزه‌های فنی و تخصصی نداشته و عملاً نیز همین بینش را در دوره مدیریتم بر بخش به منصه ظهور رساندم (رئیس محترم فعلی سازمان جهاد کشاورزی استان یکی از مدیران بنده بوده است) و البته به طریق اولی در نظام مهندسی همین دیدگاه را تعقیب می کردم ولی متاسفانه دوستان دولتی و ذی‌نفع در این انتخابات، با استفاده از امکانات مادی و معنوی‌شان علاوه بر انجام تبلیغات برای همفکرانشان، تبلیغات وسیعی به‌منظور رأی نیاوردن بنده (با این اتهام که اینجانب می خواهم نظام مهندسی را سیاسی نمایم؟) به‌کار گرفتند.

پنجم: خوشبختانه دانش‌آموختگان فهیم و فرهیخته بخش کشاورزی استان بی‌اعتنا به تبلیغات ناجوانمردانه فوق و نیز برخی مشکلات اجرایی دیگر (متمرکز بودن رای‌گیری در مرکز استان، الزامی بودن حضور افراد برای رأی دادن و . . .) با حضور پرشورشان در پای صندوق‌های اخذ رأی بیشترین رأی را به اینجانب دادند (هر چند که رسماً بنده را نفر دوم اعلام کردند) و اکثریت نیروهای انتخابی شورا (چهار نفر از هفت نفر) نیز افرادی بودند که هیچگونه سمتی نداشته و از حمایت محافل مکنت و قدرت برخوردار نبودند. جالب‌تر اینکه این نتیجه در حالی حاصل شد که یک هفته قبل از اخذ رای وزیر محترم جهاد کشاورزی در اقدامی عجیب و غیرمتعارف جلسه‌ای با اتحادیه‌های ۱۸ گانه بخش کشاورزی استان را که به منظور بررسی مسائل و مشکلات آنها از قبل هماهنگ شده بود لغو کرد و به صورت اضطراری با مهندسان ناظر (قریب ۵۰۰ نفر که اکثرشان در انتخابات نیز شرکت می کردند) نشستی را ترتیب داد و در آن جلسه ایشان را از رأی دادن به مدیران معزول، برحذر داشت. (اقتصاد پویا مورخ ۸۵/۱/۲۹)

ششم: بعد از اعلام این نتایج ناخوشایند این دوستان ضمن اعتراف تلویحی و تصریحی به صلاحیت اینجانب برای به عهده گرفتن مسئولیت شورا و با به فراموشی سپردن شعار قبلی‌شان (نگاه صرفاً صنفی و نه سیاسی به نظام) اعلام داشتند که در صورت رئیس شدن بنده کلیه دستگاه‌های دولتی مرتبط با نظام و حتی ستاد دولت در استان، نظام مهندسی را بایکوت خواهند کرد؟ این در حالی است که اینجانب با علم به این مسائل و به منظور پیشگیری از برخورد سیاسی دوستان با نظام و نهایتاً تضعیف آن از ابتدا تصمیمی برای کاندیدا شدن برای هیچ پستی در هیات‌رئیسه نداشتم. اما به‌منظور تقویت جنبه غیردولتی این سازمان، تمهیداتی اندیشیده شد تا اولاً هیات‌رئیسه نظام (رئیس، نایب‌رئیس، دبیر، خزانه‌دار و دو نفر نماینده جهت شرکت در انتخابات شورای مرکزی در تهران) در اختیار نیروهای انتخابی (چهار نفر اکثریت به استثنای بنده و سه نفر اقلیت جمعاً شش نفر) باشد. ثانیاً مسئولیت‌ها براساس توانایی، تجربه، تخصص، انگیزه و وقت‌گذاری افراد به ایشان واگذار شود.

هفتم: در اولین جلسه شورا که به‌منظور انتخاب هیات‌رئیسه تشکیل شد، مشخص شد که متاسفانه دوستان دولتی که الحمدالله از مکنت و قدرت کافی نیز برخوردارند و به منظور به دست گرفتن ارکان نظام مهندسی، اقلیت شورا را با خود همراه دارند و با استفاده از نارسایی قانون نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی (برخلاف سایر نظام‌ها ۵-۴ نفر نیروی انتصابی عضو شورا بوده و مع‌الاسف دارای حق رأی نیز هستند) اکثریت نیروهای انتخابی شورا (چهار نفر) را به محاق برده و عملاً مدیریت نظام مهندسی استان (دبیر، نایب‌رئیس، نماینده تهران) را در دست گرفتند. نکته جالب و در عین حال تاسف‌آور این است که این افراد به ترتیب یا اصلاً عضو نظام نبوده و یا در انتخابات دوره قبل با حداقل اقبال کارشناسان کشاورزی مواجه شده و انتخاب نشده‌اند و یا به دلیل داشتن مسئولیت مهم و پرمشغله دولتی قادر به وقت‌گذاری کافی در نظام نیستند. این درحالی است که ۳ نفر انتخابی حذف شده از هیات‌رئیسه دارای حدود ۳۰ سال سابقه مدیریت در بخش کشاورزی، استاد دانشگاه و عضو قبلی شورای مرکزی و استان و بالاخره جوان فوق لیسانس کشاورزی و ناظر گندم که همگی‌شان دارای تجربه، تخصص، انگیزه و وقت کافی برای خدمتگزاری به موکلین‌شان و نیز ارتقای جایگاه بخش دارند.

هشتم: می گویند که کارشان براساس قانون است. اجرای قانون با چه هدفی و به چه قیمتی؟ آیا واقعاً هدف ایشان ارتقای کارایی نظام و نیز حرکت به سوی هرچه غیردولتی کردن نظام است یا در جازدن آن و هر چه دولتی‌تر کردن آن؟ مگر در دوره قبل که اینجانب مسئول بخش دولتی بودم این قانون نبود؟

نهم: این اقدام نیروهای انتصابی که گویا در اکثر استان‌ها صورت گرفته است، باعث مسلوب‌الاختیار شدن اکثریت اعضای انتخابی شورا و بالطبع بی‌انگیزه شدن جهت شرکت در جلسات شورا و مباحث مطروحه در آن شده و عملاً دود آن به چشم کسانی خواهد رفت که با هزاران امید به ایشان رأی داده‌اند. به نظر می رسد که در این صورت این شوراها و نهایتاً شورای مرکزی به جای تلاش در جهت محقق کردن مطالبات فارغ‌التحصیلان کشاورزی و ارتقای جایگاه بخش عملاً مجری منویات مسئولین دولتی بخش کشاورزی خواهند بود.

دهم: تنها راهی که برای برون‌رفت از این بن‌بست به نظر می رسد این است که مادامی که قانون نظام مهندسی کشاورزی اصلاح نشده است (کاهش نیروهای انتصابی به حداکثر یک نفر و افزایش اعضای انتخابی به ۲۵ نفر به تفکیک تخصص‌های مختلف) ترتیبی اتخاذ شود تا نیروهای انتصابی پست‌های هیات‌رئیسه شورا را ترک و آنها را به منتخبین دانش‌آموختگان کشاورزی بسپارند. دانش‌آموختگانی که بعد از ده‌ها سال انتظار صاحب نظام شده‌اند و می خواهند از طریق آن توسعه‌یافتگی بخش و بهره‌برداران آن را به منصه ظهور رسانده و جایگاه بخش کشاورزی در اقتصاد کشور را (که طی سالیان اخیر رشد قابل توجهی یافته است) بیشتر ارتقا بخشند.

اصناف

خبرها

خیاطان ورشکسته

فارس: نایب رئیس اتحادیه صنف خیاطان تهران گفت: ۵۰ درصد کارگاه‌های خیاطی در تهران در معرض ورشکستگی قرار دارند. علی حاجی افزود: واردات بیش از حد لباس خارجی و مشکلات صنفی باعث شده است که در حال حاضر ۵۰ درصد کارگاه‌های خیاطی دارای مشکل و نیمه فعال هستند، ۵۰ درصد دیگر نیز در حالت ورشکستگی قرار دارند. نایب رئیس اتحادیه صنف خیاطان تهران افزود: دولت به جای دادن امتیاز به تولید پوشاک داخلی، مالیات سنگین از کارگاه‌ها می گیرد، در عوض فروشگاه‌های عرضه پوشاک که عمدتاً پوشاک وارداتی عرضه می کنند، مالیات کمتری می پردازند. وی افزود: دولت باید برای ورود کالا و پوشاک وارداتی که مشابه آن در داخل کشور تولید می شود، عوارض سنگینی قرار دهد تا پوشاک داخلی با مشابه وارداتی قابلیت رقابت داشته باشد. حاجی افزود: دستگاه‌های تولید خیاطی وارداتی و گرانقیمت بوده و این امر مانع جدی بر سر راه نوسازی کارگاه‌های تولید پوشاک در ایران است. حاجی افزود: دستگاهی که قیمت ۲۰ هزار تومان است، به نرخ یک میلیون تومان به دست تولیدکننده می رسد، به عنوان مثال دستگاه دکمه‌دوزی به قیمت واقعی ۵۰۰ هزار تومان است ولی به نرخ ۲/۵ میلیون تومان به دست خیاط می رسد، دستگاه سوزن‌دوزی بانتو ۳ میلیون تومانی به نرخ ۲۰ میلیون تومان به دست تولیدکننده داخلی می رسد. حاجی نایب‌رئیس اتحادیه صنف خیاطان تهران با بیان این که نرخ سود بانکی در دنیا بین صفر تا ۲ درصد است گفت: نرخ سود تسهیلات بانکی ایران دست‌کم ۱۶ درصد است، تولیدکننده با مشکلات موجود و نرخ سودهای بالا نمی تواند هم هزینه‌های تولید را پوشش دهد و هم سود معقول ۱۰ درصدی به دست آورد، بنابراین مجبور به تعطیلی کارگاه می شود. علی حاجی گفت: یکی دیگر از مشکلات تولید پوشاک در کشور، افزایش ۳۵ درصدی نرخ مالیات است که با این رقم‌ها تولیدکننده نمی تواند اظهار وجود کند، بنابراین بسیاری از کارگاه‌های پوشاک از مغازه‌ها به زیرزمین منازل مسکونی منتقل شده است. حاجی نایب رئیس اتحادیه صنف خیاطان تهران گفت: در حال حاضر طبق قانون کارگاه‌های زیر ۵ نفر شاغل از پرداخت سهم کارفرمایی حق بیمه معاف